از توی قفسه

دزدی دایره‌المعارف ۹۹سنتی

پتی اسمیت

مترجم: امیلی امرایی

■ ۱۰ ساله بودم، خانه‌مان توی یکی از این مراتع کوچک پرورش احشام بود؛ نزدیکی‌های جنوب جرسی. بیشتر وقت‌ها همراه مادرم برای خرید خواربار و این‌جور چیزها می‌رفتیم به فروشگاه ای‌اند پی. ماشینی هم در کار نبود و باید همان راه را پیاده گز می‌کردیم، برای همین همراهش می‌رفتم تا خریدها را به خانه برسانیم. مادرم موقع خرید کردن حسابی مراقب اعداد و ارقام بود، پدرم جزو اعتصابی‌ها و مادرم هم پیشخدمت بود و باید با چک حقوق و انعام‌هایش یک‌جوری ما را تا آخر ماه می‌کشاند. در یکی از این رفتن‌ها به فروشگاه ای‌اندپی، موقعی که مادرم داشت قیمت‌ها را بالا و پایین می‌کرد، آگهی تبلیغاتی یک دایره‌المعارف جهان جدید انگاری که توی چشمم فرو رفت. جلد کرم‌رنگی داشت با حاشیه‌های سبز جنگلی و یک مهر طلاکوب روی جلدش. ۱۰ دلار از این فروشگاه خرید می‌کردیم، می‌شد جلد اول آن را با ۹۹ سنت خرید. همین‌جور که داشتیم لابه‌لای قفسه‌های کرم ذرت و شیرخشک و تن‌ماهی و گندم پرکشده می‌چرخیدیم، من فقط حواسم به دایره‌المعارفی بود که با تمام وجود می‌خواستمش. با مادرم جلو صندوق ایستاده بودیم و من نفسم توی سینه حبس شده بود تا صندوقدار قیمت خریدها را بگوید، خرید ما یک کم از ۱۱ دلار بیشتر شد. مادرم یک اسکناس پنج‌دلاری دارد و یک مشت پول خرد. به نظرم رسید حالا وقتش رسیده که جرأت کنم و پای دایره‌المعارف را وسط بکشم: «می‌تونیم این دایره‌المعارف رو بخریم، همش ۹۹سنت می‌شه؟»من حال و احوال و اضطراب مادرم را که پول خردهایش به اندازه نبود، درک نمی‌کردم، اینکه پول یک قوطی کنسرو نخود فرنگی را به زور جور کرده بود و از ته کیفش بیرون کشیده بود. با اخم گفت: «الان نه پاتریشیا، امروز روز مناسبی نیست.» با سگرمه‌های تو هم پاکت‌ها را برداشتم و دنبالش راه افتادم. شنبه بعد مادرم یک دلاری کف دستم گذاشت و تنهایی روانه‌ام کرد به فروشگاه که دو لیتر شیر بخرم و یک قرص نان و این همه آن‌چیزی بود که در سال ۱۹۵۷ می‌شد با یک دلار خرید. یک‌راست رفتم سروقت قفسه دایره‌المعارف، فقط یک نسخه از جلد اول آنجا توی قفسه مانده بود. گذاشتمش توی چرخ‌دستی‌ای که برداشته بودم. چرخ‌دستی را لازم نداشتم، گذاشتمش کنار و شروع کردم توی راهروها بالا و پایین رفتن و خواندن دایره‌المعارف. وقت زیادی را آنجا بودم، اما گذشت زمان را احساس نمی‌کردم و این واقعیتی است که اغلب من را به دردسر می‌اندازد. می‌دانستم باید دیگر جول و پلاسم را جمع کنم و بروم، اما نمی‌شد از این دایره‌المعارف دل کند. دایره‌المعارف را چپاندم زیر بلوزم و زیپ ژاکت چهارخانه‌ام را تا بالا کشیدم. بچه لاغر و درازی بودم و هر صندوقداری می‌توانست بفهمد که آن زیر این دایره‌المعارف گنده را چپانده‌ام. چند دقیقه‌ای بین قفسه‌ها بالا و پایین رفتم. یک دلار را خرج کردم و جنس‌ها را گذاشتم توی پاکت و از در خروج بیرون زدم و با قلبی که به شدت می‌تپید سمت خانه راه افتادم. یک دفعه احساس کردم سنگین‌ترین دستی که ممکن بود، شانه‌ام را گرفته است. او غول‌پیکرترین مردی به نظرم می‌رسید که تا آن موقع دیده بودم؛ نگهبان فروشگاه بود. از من خواست که تحویلش دهم و من فقط لال ایستاده بودم و نگاهش می‌کردم، «ما می‌دونیم که یه چیزی رو از اونجا دزدیدی، برای همین هم باید بازرسی‌ات کنم.» وحشت برم داشته بود، دایره‌المعارف گنده داشت زیر پیراهن من بدجوری سنگینی می‌کرد. با یک‌جور نگاه پرسشگرانه و بهت‌زده‌ای گفت: «این همون چیزیه که تو دزدیدی، آره، یه دایره‌المعارف؟»

با صدای لرزانی که از ته حلقم بیرون می‌آمد، گفتم: «بله».

«چرا این‌رو از پدر و مادرت نخواستی که برات بخرن؟»

گفتم: «من خواستم، اما پول نداشتن.»

«می‌دونی که کار اشتباهی کردی؟»

«بله.»

«کلیسامی‌ری؟»

«بله هفته‌ای دو بار.»

«خوب تو باید به پدر و مادرت بگی که داشتی چی‌کار می‌کردی؟»

«نه، خواهش می‌کنم.»

«پس باید آدرستون رو به من بگی؟»

من ساکت بودم.

«من با تو تا دم در خونه میام.»

«نه، خواهش می‌کنم، خودم بهشون می‌گم.»

«قسم می‌خوری؟»

«بله... بله آقا.»

وقتی رسیدم خانه مادرم حسابی عصبانی بود: «تا الان کجا مونده بودی، می‌خواستم برای بابات ساندویچ درست کنم، مگه نگفتم یه‌راست از فروشگاه کله‌تو می‌ندازی پایین و میای خونه؟»یک دفعه همه‌چیز جلو چشمم تیره و تار شد، درست مثل حال و هوای قبل از توفان. گوش‌هایم زنگ می‌زدند و سرم گیج می‌رفت. استفراغ کردم.

مادرم خیلی زود جمع و جورم کرد، همان‌کاری که همیشه کرده بود. من را روی نیمکت نشاند و یک حوله آورد و گذاشت روی سرم و با چهره مضطرب و پریشان بالای سرم بود. گفت: «چی شده پاتریشیا؟ اتفاق بدی افتاده؟»زیرلبی گفتم: «آره، می‌خواستم یه چیزی بدزدم.» برایش تعریف کردم ماجرای دایره‌المعارفی را که چپانده بودم توی پیراهنم و بعد هم آقای نگهبان فروشگاه و باقی ماجرا را. مادرم، مادر خیلی خوبی بود، اما می‌توانست درست عین بشکه باروت منفجر شود و چنان تنبیهی کند که هیچ تصورش را هم نمی‌شد کرد که پایانی برای این تنبیه وجود داشته باشد. اما این بار هیچ چیز نگفت. فقط اینکه باید من بخوابم و خودش به فروشگاه زنگ می‌زند و به نگهبان خبر می‌دهد که من اعتراف کرده‌ام. کمی بعد وقتی از خواب بیدار شدم، خانه‌مان ساکت بود. مادرم بچه‌ها را برده بود بیرون خانه که بازی کنند، نشستم همان‌جا و یک‌دفعه چشمم به پاکت قهوه‌ای افتاد که آنجا بود، پاکت را باز کردم، توی آن جلد اول دایره‌المعارف بزرگ دنیا بود، جلد اولش.

اسماعیل عباسی دبیر دوازدهمین دوسالانه عکس ایران

برخوردمان با عکاسان، دموکراتیک است

شرق: دوازدهمین دوسالانه عکس ایران بدون مشارکت انجمن عکاسان برپا می‌شود. این خبری است که روز گذشته منتشر شد و البته واکنش‌های متفاوتی را در پی داشت. دوسالانه عکس ایران تا دوره یازدهم به دلیل عدم وجود انجمن مستقل با همکاری تعدادی از عکاسان مطرح ایران برگزار می‌شد. حالا با تشکیل انجمنی تحت عنوان «انجمن ملی عکاسان ایران»، انتظار می‌رود برگزاری دوسالانه دوازدهم عکس طبق روال با حضور و همکاری این انجمن برگزار شود. در جلسات مختلفی که اعضای این انجمن با مسوولان مرکز هنرهای تجسمی داشتند، توافق حاصل نشده و به این ترتیب انجمن عکاسان خود را کنار کشیده و مرکز هنرهای تجسمی هم اعلام کرده است، این دوسالانه را اردیبهشت سال ۹۱ برگزار می‌کند. روز گذشته هم فراخوان عمومی آن منتشر شد.

در فراخوان این دوسالانه، عکاسانی چون اسماعیل عباسی، عباس میرهاشمی، افشین شاهرودی، علیرضا کریمی‌صارمی، فرهاد سلیمانی و مسعود زنده‌روح‌کرمانی در ترکیب شورای سیاست‌گذاری دوسالانه دیده می‌شوند و دبیر این دوره هم اسماعیل عباسی است. اسماعیل عباسی به سوالات کوتاه «شرق» در این‌باره پاسخ داد.

■■■

◄ مرکز هنرهای تجسمی برای برگزاری دوازدهمین دوسالانه عکس ایران با انجمن عکاسان به توافق نرسیده است. به عنوان دبیر این دوسالانه فکر می‌کنید عدم مشارکت انجمن به ضرر عکاسی ایران نخواهد بود؟

فکر نمی‌کنم مشکل خاصی بر سر برپایی دوازدهمین دوسالانه ملی عکس ایران وجود داشته باشد. دوسالانه عکس طی سال‌های قبل هم به شکلی که می‌بینیم برگزار می‌شد. امسال از طرف آقای شالویی، رییس مرکز هنرهای تجسمی پیشنهاد شد که انجمن مجری طرح باشد ولی نهایتا با انجمن به توافق نرسیدیم. البته فکر می‌کنم فرقی ندارد که چه کسی مجری باشد.

◄ در سال‌های قبل شاهد مشارکت انجمن با مرکز هنرهای تجسمی بودیم اما این دوسالانه قرار است بدون مشارکت انجمن ملی عکاسان برپا شود. به نظر شما این مساله به افول هر چه بیشتر جایگاه انجمن‌ها نمی‌انجامد؟

این یک برخورد کاملا دموکراتیک است. شما به من پیشنهاد مشارکت در کاری را می‌دهید ولی من قبول نمی‌کنم. در پیش گرفتن این روش، نشانه یک برخورد دموکراتیک است. در عین حال با اینکه انجمن در دوسالانه دوازدهم مشارکتی ندارد، اما تک‌تک اعضای انجمن می‌توانند در این دوسالانه شرکت کنند.

◄ آیا این امر به معنای نادیده گرفته شدن جایگاه و شأن انجمن نخواهد بود؟

نه، با این برداشت موافق نیستم. فکر می‌کنم مطبوعات به دنبال آن هستند که چیزی از یک خبر در بیاید. من خود یک مطبوعاتی هستم و می‌دانم خبرنگاران دنبال سوژه‌های داغ هستند! با اینکه شخصا عضو انجمن هستم، فکر نمی‌کنم عدم مشارکت آن به افول جایگاهش بینجامد.

◄ ولی فقط مطبوعات به نقد این مساله نپرداخته‌اند. عکاسان هم به این مساله انتقاد دارند...

باز تکرار می‌کنم که مشکلی در کار نخواهد بود. من خود شخصا عضو همین انجمن هستم. در عین حال آقای افشین شاهرودی، هم عضو هیات‌مدیره انجمن است و هم در شورای سیاست‌گذاری دوسالانه فعالیت دارد.

همه پیش‌بینی‌های اسکار

اسکار پیش‌رو برای بسیاری از رسانه‌های جهان لقب غیرقابل پیش‌بینی‌ترین را گرفته است. جایی که قرار است غول‌های بزرگ سینما کنار هم قرار بگیرند و داوری میان فیلم‌های چهره‌های مطرحی همچون مارتین اسکورسیزی، کلینت ایستوود و استیون اسپیلبرگ هیچ راحت نخواهد بود. پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که شانس فیلم‌های این سه کارگردان در مراسم اسکار حداقل برای نامزد شدن در بخش‌های گوناگون مراسم اسکار بسیار بیش از فیلم‌های دیگر است. اسکرین دیلی جدیدترین ساخته کلینت ایستوود را تکان‌دهنده توصیف کرده و معتقد است داوران آکادمی نمی‌توانند چندان راحت از کنار این فیلم بگذرند. نقطه عطف این فیلم بازی درخشان «لئوناردو دی‌کاپریو» است و فیلمنامه درخشانی که زندگی ادگار هوور افسانه‌ای را به تصویر کشیده است.روزنامه نیویورک‌تایمز در پرونده‌ای که به مناسبت اکران این فیلم منتشر کرده بود، نوشت: «جی.ادگار هوور مردی افسانه‌ای است که شاید هرگز هیچ سازمان جاسوسی دیگر نمونه‌اش را به خود ندیده است و حالا کلینت ایستوود در سی و دومین ساخته سینمایی‌اش زندگی عجیب و پیچیده این مرد را جلو دوربین خود برده است. این فیلم می‌تواند با بازی تکان‌دهنده دی‌کاپریو در اولین همکاری این دو نفر نتایج مثبت بسیاری را در مراسم اسکار به همراه داشته باشد.»فیلمی که به اعتقاد برخی از منتقدان یکی از بهترین ساخته‌هایش در یک دهه گذشته است. او به همراه ران هاوارد، برایان گریزر و رابرت لورنز تهیه‌کنندگی فیلم را نیز برعهده داشته‌اند. ایستوود در ارتباط با چگونگی پیوستنش به این پروژه می‌گوید: «برایان گریزر، فیلمنامه را برایم ارسال کرد و خواست تا بخوانمش. رابرت لورنز هم فیلمنامه را خوانده بود و گفت فیلمنامه خوبی درباره جی ادگار هوور شده است. ایده جالب بود، فیلمنامه را خواندم، خوشم آمد و روز بعد به او گفتم، آره بیا بسازیمش.» دی‌کاپریو در این فیلم نقش ادگار هوور را از جوانی تا سال‌های پیری بازی می‌کند. او برای آماده شدن و بازی در قسمت‌های مربوط به دوران پیری هوور، مجبور بود روزی پنج ساعت روی صندلی گریم بنشیند، برای همین گروه تصمیم گرفت صحنه‌های فیلمنامه به ترتیب زمانی فیلمبرداری شوند.

مارتین اسکورسیزی و چرخش کامل به گونه دیگر سینما

هوگو امسال بسیاری از منتقدانی را که نسبت به سینمای اسکورسیزی از لقب تکراری بودن استفاده می‌کردند را مجبور کرده است که جور دیگری فکر کنند. این فیلم به‌آسانی لقب بهترین سینمای ۲۰۱۲ را از آن خود کرده است. هوگو کابرت پسر یتیمی است که مخفیانه در ایستگاه قطار پاریس زندگی می‌کند. اما زندگی هوگو در پی پیداکردن یک قطعه مکانیکی خودکار و آشنایی با یک مرد خونسرد بی‌رحم و یک دختر عجیب و غریب وارد یک دنیای خیالی و فانتزی می‌شود. مارتین اسکورسیزی گفته است به کار کردن با روش سه‌بعدی علاقه‌مند است و «این فیلم برای کار سه‌بعدی خیلی مناسب است.»آسا باترفیلد در نقش هوگو و بن کینگزلی بازیگر معروف بریتانیایی، ساشا بارون کوهن، ری وینستون، کریستوفر لی و جود لاو در این فیلم بازی می‌کنند. فیلم بر اساس یک کتاب معروف کودکان به نام «اختراع هوگو کابرت» نوشته برایان سلزنیک است و جان لوگان فیلمنامه آن را نوشته است. بن کینگزلی که در این فیلم نقش «ژرژ ملیس» کارگردان پیشگام فرانسوی را بازی می‌کند، درباره چگونگی ایفای نقش خود می‌گوید: «به عنوان یک بازیگر با یک گروه نابغه کار می‌کردم. من نقش یک استاد کارگردان را در جلو چشم یک استاد کارگردان (مارتین اسکورسیزی) بازی می‌کردم. یک لحظه فکر کردم بهتر است که خود مارتین باشم. برای اینکه ظاهرا روش کارگردانی مارتین خیلی شبیه ژرژ ملیس است. با حوصله، با اشتیاق، با علاقه و مشوق بقیه است. خلق دوباره ژرژ ملیس زمانی که پادشاه قلمرو خودش بود، برای من تجربه انرژی بخشی بود.»

اسپیلبرگ با اعتماد به نفس زیاد می‌آید

تن‌تن و اسپیلبرگ و هرژه دست به دست هم داده‌اند و احتمالا به تمام رقبای سرسخت بخش انیمیشن پیروز می‌شوند. آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا که متصدی برگزاری جوایز اسکار است اعلام کرد ۱۸ اثر به بخش بهترین انیمیشن بلند هشتادوچهارمین دور جوایز اسکار معرفی شده‌اند که از این میان پنج اثر به‌عنوان نامزدهای نهایی انتخاب خواهند شد. از سرشناس‌ترین انیمیشن‌های معرفی‌شده می‌توان از «ماجراهای تن‌تن؛ راز تک‌شاخ» جدیدترین ساخته استیون اسپیلبرگ نام برد که از شانس‌های اصلی دریافت جایزه اسکار این بخش محسوب می‌شود. این فیلم به تهیه‌کنندگی «پیتر جکسون» و محصول کمپانی سونی از اوایل سال گذشته به شکل اقتباسی وارد مرحله تولید شد و بازیگرانی چون «جمی بل»، «دانیل کریک» و «اندی سرمیکس» در آن نقش‌آفرینی داشته‌اند. فیلم اسپیلبرگ هم‌اکنون در ۵۱۲ سالن سینمایی انگلیس در حال اکران است. «رابرت رودات» که برای فیلمنامه «نجات سرباز رایان» نامزد دریافت جایزه شد، نگارش فیلمنامه «ماجراهای تن‌تن» را برعهده داشته است. داستان نسخه سینمایی «تن‌تن» به مبارزه گروهی از سربازان متحد به رهبری «کارل فرانکلین» می‌پردازد که به مقابله با تهاجم نیروهای بیگانه می‌پردازند. اسپیلبرگ درباره فضای این فیلم گفته است، حوادث این فیلم در یک دنیای واقعی با مردم تخیلی رخ می‌دهد. این فیلم از روز ۲۱ دسامبر در سینماهای آمریکا روی پرده خواهد رفت. به گزارش اسکرین دیلی، انیمیشن‌های «رانگو»، «ریو»، «وینی پو»، «ماشین‌ها ۲»، «گربه چکمه‌پوش»، «رومئو و ژولیت»، «پاهای خوشحال۲»، «گربه‌ای در پاریس»، «آرتور کریسمس»، «چیکو و ریتا»، «پاندای کونگ‌فو کار۲»، «اسمورف‌ها»، «آلوی نبل» و «مریخ مادر نیاز دارد» دیگر آثار معرفی‌شده به جوایز آکادمی اسکار هستند.

شمارش معکوس

آکادمی اسکار اعلام کرد، اولین برگه‌های انتخاب نامزدهای جایزه اسکار ۲۰۱۲ روز ۲۷ دسامبر برای اعضای آکادمی ارسال خواهد شد.نامزدهای نهایی هشتادوچهارمین دوره جوایز اسکار روز ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲ در سالن تئاتر ساموئل گلدوین اعلام خواهند شد و اعضای آکادمی روز اول فوریه برگه‌های نهایی رأی‌گیری برای انتخاب برندگان جوایز اسکار را دریافت خواهند کرد. طبق سنت هرساله آکادمی اسکار، مراسم ضیافت نهار با حضور نامزدهای بخش‌های مختلف جوایز روز دوشنبه ششم فوریه برگزار خواهد شد و اعضای آکادمی تا روز ۲۱ فوریه فرصت خواهند داشت تا برگه‌های رأی را به آکادمی بازگردانند. مراسم اعطای جوایز اسکار نیز روز ۲۶ فوریه ۲۰۱۲ (ششم اسفند ماه) و همچون سال‌های گذشته در سالن تئاتر کداک لس‌آنجلس برگزار خواهد شد و از شبکه تلویزیونی ABC پخش می‌شود. امسال «بیلی کریستال»، مجری باسابقه و خنده‌رو آمریکایی مسوولیت اجرای مراسم اعطای جوایز را برعهده خواهد داشت. پس از آنکه «دی مورفی»، بازیگر سرشناس از اجرای مراسم اعطای جوایز اسکار ۲۰۱۲ کناره‌گیری کرد، «بیلی کریستال» برای نهمین‌بار به عنوان مجری معروف‌ترین مراسم اعطای جایزه فیلم دنیا انتخاب شد. این مجری ۶۳ساله خنده‌رو اولین بار در سال ۱۹۹۰ مجری مراسم اسکار بود که فیلم «رانندگی برای خانم دایسی» بهترین فیلم شد و آخرین اجرای او به سال ۲۰۰۴ برمی‌گردد.

اسکار «همشهری کین» فروخته می‌شود

سی.ان.ان: خانه حراج لس‌آنجلس اعلام کرد که جایزه اسکار اورسن ولز برای «همشهری کین» در یک حراج آنلاین این ماه به فروش می‌رود. بهترین جایزه نمایش فیلم سال ۱۹۴۱ در حراجی به فروش می‌رود. آکادمی تخمین می‌زند ارزش این جایزه حدود یک میلیون دلار است.

پولانسکی از سالخوردگی می‌گوید

فیگارو: رومن پولانسکی که این روزها جدیدترین ساخته‌اش «کشتار» که براساس نمایشنامه خدای کشتار یاسمینا رضا ساخته و در فرانسه اکران شده است، در گفت‌وگو با روزنامه فیگارو می‌گوید که تصمیم دارد در آینده نزدیک، فیلمی درباره سالخوردگی بسازد.

مرادی کرمانی و شکوه فرهنگ ایران

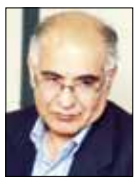

هوشنگ مرادی‌کرمانی در مراسم تجلیلش در آنکارا گفت: شکوه، فرهنگ و تاریخ هر کشور را می‌توان در ادبیات آن کشور به دیگران نشان داد. من در داستان‌های مجید سعی نکردم به کودکان نصیحت کنم، به همین دلیل داستان‌های مجید در میان کودکان کشورهای مختلف مورد استقبال قرار گرفته است.

نامه اعتراضی خانواده تندگویان به ضرغامی:

رفتار رسانه ملی در برابر شهید بی‌سابقه بود

ایسنا: خانواده شهید تندگویان در اعتراض به قلب واقعیت در مورد زندگی این شهید جاودانه در چند هفته گذشته اعتراض‌های زیادی کردند؛ اعتراض‌هایی که به نظر با عدم واکنش مسوولان صداوسیما روبه‌رو شد. روز یکشنبه آخرین قسمت این فیلم از شبکه سوم سیما پخش شد. این باعث شد همه اعضای خانواده در نامه‌ای به رییس رسانه ملی اعتراض خود را از پخش این سریال اعلام کنند. در این نامه آمده است:

■■■

جناب آقای ضرغامی

ریاست رسانه ملی!!

تندگویان چه کسی بود که شما و همفکران‌تان تحمل دیدن سریالش را هم ندارید؟ مگر همان وزیر جوان کابینه شهید رجایی نبود که امام راحل از او به‌عنوان اسوه مقاومت و صبر یاد کردند و مقام معظم رهبری بارها و بارها از غربت و رشادتش سخن گفتند؟ مگر نه اینکه او شاگرد مکتب دکتر شریعتی بود و هر هفته پای سخنان معلم شهیدش در حسینیه ارشاد می‌نشست؟ پس چرا شما تمام فصل‌های زندگی او را حذف و بخش‌های باقیمانده را به نفع سیاست‌های خودتان تحریف کردید؟ به چه قیمتی قصد دارید تنها وزیری که در دوران دفاع مقدس و در جبهه جنگ اسیر و پس از خاتمه جنگ شهید شد را از تاریخ این مرز و بوم پاک کنید؟!

تندگویان که در ۲۹سالگی و پس از سال‌ها مبارزه و تحمل زندان در رژیم پهلوی وزیر دولت شهید رجایی شد، الگویی است به یادماندنی برای خیل جوانانی که در این سن و سال قهرمانان‌شان پوشالی هستند و در رسانه‌ای که فعلا در اختیار تفکر و دیدگاه‌های شخص شماست، اثری از قهرمانان واقعی این سرزمین کهن یافت نمی‌شود و چه قهرمانی ارزشمندتر از امثال تندگویان که از کوچه پس کوچه‌های خانی‌آباد به وزارت می‌رسد و در مدت کوتاه وزارت تا اسارتش بیشتر از همه وزیران قبل و بعدی خود و پابه‌پای زحمتکشان در پالایشگاه‌های نفت زیر آتش و جبهه‌های جنگ حضور می‌یابد.یک ریال از هزینه این سریال توسط رسانه شما پرداخت نشده است.» همچنین در بخشی دیگری از این نامه آمده:

«کمی به خودتان بیایید و چشم‌هایتان را به روی واقعیت‌های امروز جامعه باز کنید. امروز عصر ارتباطات و رسانه‌هاست، پس خیال نکنید اگر شما واقعیت زندگی این شهید را پخش نکنید، زندگی این شهید دیده نمی‌شود، نه! ... در عرض، کمتر از چند ساعت بخش‌های پخش‌نشده سریال در اینترنت منتشر می‌شود و سی‌دی‌اش دست به دست در شهر می‌چرخد و مردم از شما می‌پرسند چرا با غریب‌ترین شهید دوران دفاع مقدس این رفتار را داشتید و چرا تاریخ را تحریم کردید و چرا فکر می‌کنید شما و چند مدیرتان بیشتر از همه مردم ایران می‌فهمید.امیدوارم این نامه پردرد را در کنار نامه‌های دیگر خانواده و فرزندان شهید در بایگانی‌تان قرار ندهید و کمی به خودتان بیایید.»

«شیرین» اکران نمی‌شود،«شب» شاید بیاید

فیلم‌ها چگونه اکران می‌شوند

حدود ۱۰، ۱۲روز پیش علیرضا سجادپور اعلام کرد که ۱۱۰ فیلم ساخته شده سال‌های گذشته از دور اکران کنار گذاشته می‌شوند. از آن روز هرچند وقت یک‌بار خبری می‌رسید که فیلمی اکران می‌شود اما نمی‌توان به آن اعتماد کرد. این روزها مساله اکران فیلم «شیرین» کیارستمی و «شب» صدرعاملی مطرح شده است. فیلم «شیرین» کیارستمی قرار بود در سینما آزادی اکران می‌شود. اما این اتفاق نیفتاد. علی سرتیپی به ایسنا گفت: «مشکلات دو فیلم عباس کیارستمی ـ «کپی برابر اصل» و «شیرین» ـ باعث شده مجوز اکران این دو فیلم همچنان صادر نشود. چند ماه قبل، قرارداد دو فیلم «شیرین» و «کپی برابر اصل» با فیلمیران بسته شد اما ظاهرا این دو فیلم مشکلاتی دارند که هنوز مجوز اکران آنها صادر نشده است.» در حالی که تمام تبلیغات بر مبنای اکران فیلم از روز چهارشنبه مطرح بود اما حبیب کاوش، سخنگوی شورای صنفی نمایش از مشخص نبودن وضعیت اکران فیلم«شیرین» خبر داد. هرچند درمنش مسوول این طرح مخاطب خاص به مهر گفته است: «این گروه امکان اکران همزمان چهار فیلم را در سینماهای تهران دارد.» اما در فهرستی که درمنش ارایه داده خبری از فیلم‌های کیارستمی نیست. وی در این زمینه به ایسنا گفته است: «دو فیلم آخر عباس کیارستمی از ابتدا جزو فیلم‌های منتخب‌مان بوده است اما مشکلی که این آثار دارند مربوط به پخش‌کننده‌هایشان می‌شود.»وی افزود: «فیلمیران» قرارداد اکران فیلم را با عباس کیارستمی بسته و شخصی به نام رحیمی هم معتقد است که با تهیه‌کننده خارجی این آثار قرارداد دارد بنابراین تا مشخص شدن این وضعیت نمی‌توانیم اقدام به اکرانشان بکنیم.»درمنش خاطرنشان کرد: «ما برای اینکه مشکل قانونی به وجود نیاید، موظف هستیم قبل از اکران یک فیلم از کارگردان، سرمایه‌گذار، تهیه‌کننده و پخش‌کننده فیلم استعلام بگیریم تا مشکلی در زمان اکران به وجود نیاید بنابراین به محض مشخص شدن دفتر پخش این دو فیلم، عقد قرارداد صورت خواهد گرفت و به‌سرعت آنها را اکران می‌کنیم.»اما درباره فیلم شب «صدرعاملی» قرار شده است کمی بعدتر اکران شود. طبق برنامه‌های جدید این نوع اکران خاص قرار است بلیت‌های نیم‌بها در ۱۲ ایستگاه مترو ارایه شود. این بلیت‌ها تاریخ، سالن یا عنوان فیلم را ندارند. گروه سینمایی آفریقا از روز ۲۳ آذر میزبان فیلم «اخلاقتو خوب کن» ساخته مسعود اطیابی خواهد بود. پس از آن نیز فیلم «کلانتری غیرانتفاعی» ساخته یدالله صمدی در همین گروه روی پرده می‌رود. طبق قرارداد منعقدشده پس از این دو فیلم «شب» اکران خواهد شد و نکته این ترتیب اکران این است که احتمالا نمایش این فیلم همزمان با جشنواره فجر امسال خواهد بود. اما در سینماهای دیگر از فروش و استقبال موفق از فیلم«اسب حیوان نجیبی است» ساخته کاهانی خبر داده می‌شود و اعلام شده است از هفته آینده در سینمای عصرجدید روزهای یکشنبه و دوشنبه و پنجشنبه این فیلم با حضور کارگردان و رضا عطاران و منتقد با مجری‌گری مازیار میری اکران می‌شود.

گزارش تصویری

نمایش «کمی بالاتر»، نوشته محمد چرم‌شیر و به کارگردانی آروند دشت‌آرای از پنجشنبه ۲۴ آذر ساعت ۲۰ در تالار حافظ به روی صحنه می‌رود. دشت‌آرای درخصوص تعویق اجرای این نمایش افزود: «تولید و به اجرا رساندن این نمایش از بسیاری جهات با روند تولید و آماده‌سازی عمومی نمایش‌های مرسوم کاملا متفاوت و وابسته به چندین تابع متغیر تاثیرگذار است که رسیدگی به هرکدام زمان‌بر است.

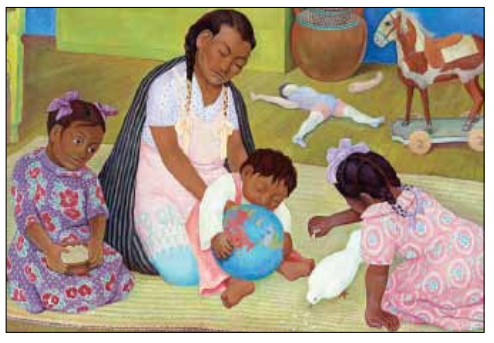

هشتم دسامبر، سالروز تولد دیگو ریورا از جمله برجسته‌ترین هنرمندان معاصر مکزیکی است. این روزها موزه هنرهای مدرن نیویورک با برپایی نمایشگاه بزرگی صدوبیستمین سال تولد این نابغه نقاشی آمریکای‌لاتین را گرامی داشت. در همین حال، موزه و گالری هنرهای زیبای ونکوور کانادا نیز با برپایی نمایشگاه بزرگی از آثار نقاشان معاصر و پس از جنگ مکزیک را به نمایش گذاشته است.

مجله رولینگ استون در پایان سال میلادی صد گیتاریست برتر جهان را معرفی کرد. این مجله معتبر با قراردادن جیمی هندریکس در صدر فهرست بار دیگر بر نبوغ این موسیقیدان آمریکایی صحه گذاشت. اریک کلاپتون در جایگاه دوم و جیم پیج از بنیان‌گذاران گروه درزپلین در مکان سوم قرار گرفت.

کلبه کوچک من

لذت‌های آسمانی من (۱۰۰)

اردشیر خرمنکوب

■ روزه‌داری هر روزه من، برای جوان و مرد زمین‌دوست، با شگفتی پنهانی همراه است. با غروب آفتاب و بعد از اقامه نماز مغرب، من سهم شام خود را پیش می‌کشم و افطار می‌کنم. زمین‌دوست، اصرار فراوانی برای تماشای فروبردن اولین لقمه‌های من دارد. در آمریکا، نگاه بیهوده و بی‌دلیل و طولانی به کسی، توهین تلقی می‌شود. از این نگاه طولانی، چند معنی برداشت می‌شود که در مجموع پسندیده نیست. من اما اجازه می‌دهم زمین‌دوست به هر اندازه که مایل است به نحوه غذا خوردن من نگاه کند. شاید انتظار دارد از او بپرسم: به چه نگاه می‌کنی؟ اما نمی‌پرسم. خودش تقلا می‌کند و راز نگاه طولانی‌اش را برملا می‌سازد. می‌گوید: «کسی که یک روز تمام نه آب خورده نه غذا نه میوه، لقمه اول و دومش باید خیلی خوشمزه باشد». و ادامه می‌دهد: «حاضرم برای این همین مزه کلی پول بدهم». یکی از دوستان مرد جوان را از سلولش بیرون برده و آزاد کرده‌اند. جوان ما نمی‌داند از آزادی دوستش خوشحال باشد یا نه. اما خیلی زود در میانه خوشحالی و اندوه، به دوستش مشکوک می‌شود. که نکند او را فروخته باشد. جوان در همین کلافگی، افشا می‌کند که برادرش نیز در یکی از سلول‌های مجاور است. چیزی که تا به حال نگفته بود و در خود نگاه داشته بود. هجوم افکار جوراجور، آرام و قرار از جوان می‌گیرد. دو بار محکم زیر گوش خود می‌زند و اشک می‌ریزد. تلاش من برای آسوده کردن او به جایی نمی‌رسد. مرد زمین‌دوست، زیر لب چند ناسزای آبدار نثار او می‌کند و روی تختش دراز می‌کشد. جوان به‌شدت بی‌تاب برادر کوچک‌تر از خویش است. می‌گوید: ما پنج نفر بودیم که یکجا همه را گرفتند و به اینجا آوردند. شاید ۱۵،۱۰دقیقه از آشفتگی جوان نگذشته است که ناگهان در سلول ما گشوده می‌شود و جوانی با چشمانی بسته به داخل می‌آید و در بسته می‌شود. جوان کلبه ما در کمال تعجب تازه‌وارد را نشان من می‌دهد و می‌گوید: این برادر من است. هر دو، در آغوش هم فرومی‌روند و مسلسل‌وار به ردوبدل اطلاعات می‌پردازند. احتمالا که نه، حتما جوان تازه‌وارد را اشتباهی به سلول ما آورده‌اند. چند دقیقه دیگر می‌آیند و او را به سلول خودش بازمی‌گردانند. پس باید این چند دقیقه را مغتنم دانست. دو جوان، سراسیمه گفتنی‌ها را می‌گویند. عمده نگرانی‌شان این است که مبادا در نبودشان «گروه» از هم بپاشد. گروهی که برای جمع کردنش زحمت فراوانی کشیده‌اند. درآمد تصاعدی و هرمی گروه، آن‌چنان درشت و خارج از تصور است که این دو جوان و دوستان‌شان را سخت به تکاپو واداشته. حضور بیش از اندازه جوان تازه‌وارد، برای خود ما هم خوب نیست. به همین دلیل خود مردِ جوان کلید چراغ را می‌فشارد. کمی بعد، نگهبانی می‌آید. به او می‌گوید: این برادر ما را اشتباهی به کلبه ما آورده‌اید. نگهبان که لابد در حرفه خود به گناهی نابخشودنی دچار شده، غرغرکنان، دست جوان تازه‌وارد را می‌گیرد و او را با چشمانی بسته بیرون می‌برد. گویا تشابه اسم و شهرت این دو جوان در این اشتباه دخیل بوده است. زمین‌دوست با بروز این اشتباه، کل سیستم حکومتی آمریکا را به ناسزا می‌گیرد و می‌گوید: بیا، با این همه هارت و پورت و نگهبان و دوربین و کنترل دیجیتالی، روز روشن یکی را به کلبه ما می‌آورند که برادرش اینجاست! جوان که هنوز در بهت این اتفاق است، بر لب تخت خود می‌نشیند و ذره‌ذره لذت این ملاقات ناگهانی و ناممکن را مرور می‌کند. آرامش آمیخته به تبسم او، مرا به سپاس از خدا می‌نشاند. که چه نرم و روان، روانِ مغشوش این جوان را آرام فرمود. طعم افطار من، حالا با لذتی آسمانی می‌آمیزد. طعمی که اگر مرد زمین‌دوست از آن خبر داشت، داروندار خود را برای یک لقمه‌اش می‌داد.

ادامه دارد

دور ایران

■ محمد حمزه‌زاده رییس انجمن هنرهای نمایشی ایران از سمت خود استعفا داد و با اشاره به اینکه در طول مدیریت خود طبق ضوابط تعیین شده فعالیت کرده بود از اهالی تئاتر در صورت ناراحتی و دلگیری از برخی فعالیت‌ها عذرخواهی کرد.

■ حسین پاکدل، مشغول تمرین نمایش جدیدش «عشق و عالیجناب» است که در سی‌امین جشنواره تئاتر فجر اجرا می‌شود. در این اثر نمایشی بازیگرانی چون سیامک صفری، سهیلا رضوی، بابک حمیدیان، ستاره اسکندری، رحیم نوروزی، محسن حسینی، فرخ نعمتی، مهران امام‌بخش، امیررضا وزیری و طوفان مهردادیان بازی می‌کنند.

دور دنیا

هریسون فورد بازهم ایندیانا جونز می‌شود

■ **شرق:** جورج لوکاس، «ایندیانا جونز پنج» را